

بچه‌ها دنیا را به من دادند!

گفت‌وگو با آموزگار منتخب کشوری سال ۱۳۹۹

زهره پیرهادی

از تلاش معلمان هر چه گفته شود، حق مطلب ادا نشده است. از نکته‌های جالب در کار آن‌ها این است که آموزگاران یک پایه، همگی، کتاب واحدی را تدریس می‌کنند و از برنامه‌ی درسی مصوب در اسناد بالادستی پیروی می‌کنند، اما کار هیچ‌یک شبیه به هم نیست و هر کدام برتری‌ها، شکل‌های خاص و البته نتیجه‌ی مخصوصی دارند.

در این فرصت با آموزگاری از استان البرز گفت‌وگو کرده‌ایم. افسانه رضایی کارشناس آموزش ابتدایی و آموزگار «مدرسه‌ی شاهد فاطمه عرب» واقع در ناحیه‌ی دو کرج است که در سال ۱۳۹۹ به‌عنوان آموزگار منتخب تدریس کشوری و مدرس برنامه‌ی شاد در درس اجتماعی چهارم معرفی شده است.

شما را به خواندن تجربه‌ها و خاطره‌های آموزگاری دعوت می‌کنیم که نه چندان کهنه‌کار است و نه چندان تازه‌کار.

عکاس: اعظم لاریجانی



خانم رضایی از دانش‌آموزانش می‌گوید.

در اختیار بچه‌ها قرار می‌گرفت. سعی می‌کردم همچون کلاس واقعی به آهنگ صدایم توجه کنم تا درس و فضا یکنواخت و خسته‌کننده نباشد.

از مشارکت بچه‌ها در تدریس درس‌های ساده‌تر مثل اجتماعی و هدیه‌ی آسمانی استفاده می‌کردم. بچه‌ها درس‌ها را به‌صورت سخنرانی (کنفرانس) و در قالب فیلم کوتاه و عکس آماده می‌کردند و در کلاس ارائه می‌دادند.

■ با تدریس مجازی مشکلی نداشتید؟

برای مدیریت بهتر در فضای مجازی، از سرگروه‌های درسی یا همان معلم‌یارها کمک می‌گرفتم. حتی گاهی امتحان‌های شفاهی مثل روخوانی را به‌عهده‌ی آن‌ها می‌گذاشتم و خودم نظارت و داوری می‌کردم و گاهی در صفحه‌ی شخصی‌شان نقطه‌ضعف‌ها و اشتباه‌هایشان را گوشزد می‌کردم. این رویه، علاوه بر افزایش عزت‌نفس دانش‌آموزان، بر سازگاری و احترام بین آن‌ها هم می‌افزود.

هر روز صبح کلاس با ذکرهای معنوی آن روز و کلیپ‌های متنوع شاد و پرانرژی صبح‌به‌خیر شروع می‌شد. بعد از آن نوبت ورزش صبحگاهی بود که هر از گاهی هم با حرکت‌های طنز ورزشی همراه بود. گاهی از فیلم نرمشی استفاده می‌کردیم که در کانال‌های شاد بود.

از همه مهم‌تر گاهی ورزش و نرمش توسط بچه‌ها اجرا می‌شد که با لباس ورزشی از خودشان فیلم می‌گرفتند و ارسال می‌کردند.

■ زنگ تفریح مجازی هم داشتید؟

بعد از تدریس بخش‌هایی از محتوای درسی آن زنگ و انجام تکلیف کلاسی، برای رفع خستگی، زنگ تفریحی در نظر گرفته می‌شد. اکثر زنگ تفریح‌ها با پخش انیمیشن (کارتون) یا طنز همراه بود. برای درس املا هفته‌ای یک بار عکس پروفایل کلاس را عوض می‌کردم و کلماتی را که ارزش املائی داشتند، در آنجا قرار می‌دادم تا بچه‌ها با دیدن آن‌ها کلمات را بهتر یاد بگیرند.

■ و با تکلیف شب چه می‌کردید؟
در آخر کلاس، تکلیف‌ها را ارائه می‌کردیم

■ در زمان شیوع بیماری کرونا، تدریس مجازی و جریان یاددهی و یادگیری را چگونه پیش بردید؟

با شروع تدریس غیرحضوری، با موانعی مواجه شدم که تجربه‌ای نسبت به آن‌ها نداشتم. از این رو، اولین چیزی که به ذهنم خطور کرد، خودآموزی و ارتقای سطح دانشم بود. با عضویت در گروه اولیا و مشارکت و هم‌فکری و هم‌یاری آن‌ها تدریس در فضای مجازی را آغاز کردم و سال اول را پشت سر گذاشتم.

با آغاز سال تحصیلی جدید در مهر ۱۳۹۹ و تجربه‌ای که در سال گذشته کسب کرده بودم، آمادگی و اطلاعاتم نسبت به ضعف و قوت یادگیری در فضای مجازی بیشتر شده بود و همین در ارتباط‌برقرار کردن با دانش‌آموزانی که هیچ پیش‌زمینه‌ی ذهنی نسبت به آن‌ها نداشتم، کمک شایانی کرد.

■ یعنی در سال تحصیلی جدید کار را بهتر شروع کردید؟

بله. در پانزدهم شهریور، در گام نخست، بعد از معرفی خودم، از دانش‌آموزان خواستم خودشان را در قالب فیلمی کوتاه معرفی کنند و علاقه‌ها و مهارت‌های خود را بیان کنند. این فعالیت دانش‌آموزمحور در شناخت تفاوت‌های فردی و آشنایی با روحیه‌ی حساس آن‌ها به من کمک فراوانی کرد.

در گام دوم دانش‌آموزان را به گروه‌های پنج‌نفره تقسیم کردم و به‌تناسب گروه‌ها، پنج گروه تکلیف نیز ساختم. برای هر گروه «معلم‌یار» یا همان «هم‌یارمعلم» انتخاب کردم تا مشارکت بچه‌ها پررنگ‌تر شود.

■ محتواهای درسی را چگونه تدریس می‌کردید؟

در تدریس درس ریاضی، با تهیه‌ی تخته‌سیاه و لوازم موردنیاز تدریس، فضایی را همچون کلاس واقعی ایجاد کردم. از تدریس فیلم‌برداری می‌شد و فیلم‌ها

که بسیار متنوع بودند؛ مثلاً صوت پرش از ضرب ۷ و ۸ و ۹ یا صوت پرش و پاسخ درس علوم یا گفتن املا به بزرگ‌ترها، و پیدا کردن کلمات سخت.

بعد از ارائه‌ی تکلیف هر روز، عکس‌نوشته‌ای که پیامی اخلاقی در بر داشت، به اسم سخن آخر ارسال می‌شد.

تمام زنگ‌ها را با برجسب (استیکر) مخصوص یا عکس مخصوص در کلاس اعلام می‌کردم. حتی بچه‌ها خودشان با عکس‌های من برجسب می‌ساختند.

شب یلدا بچه‌ها با هنرهایی که بلد بودند، برای کلاس فیلم تهیه می‌کردند.

تمام تلاش‌ها را می‌کردم تا بچه‌ها شاد باشند، گاهی عصرها معما و سؤال‌های هوش و آخر شب قصه‌ی شب برایشان می‌فرستادم تا به رفع استرس و ناراحتی خانواده‌ها و بچه‌ها کمکی کرده باشم.

■ با این وصف تابستان را به خوبی استراحت کردید؟

خیر. حتی در تابستان هم آموزش را تعطیل نکردم. هفته‌ای یک روز در ساعتی مشخص بچه‌ها اشکال‌های ریاضی خود را می‌فرستادند که با عکس و صوت پاسخگوی آن‌ها بودم.

■ دلیل موفقیتان در تدریس و ارتباط با دانش‌آموزان را در چه می‌دانید؟

آنچه باعث شده است از کارم رضایت قلبی داشته باشم، درک متقابل من از دانش‌آموزان و اولیایشان بوده است. سعی کردم با شعر، کار گروهی و زنگ‌های شادانه شادی را تقدیمشان کنم.

من اکثر وقت‌ها سعی کردم از بچه‌ها یاد بگیرم؛ از اخلاق خوب و برنامه‌های خوبی که استفاده می‌کردند. از همه مهم‌تر، هیچ‌وقت از بالا به آن‌ها نگاه نمی‌کردم.

■ پایه‌ی چهارم نسبت به پایه‌های دیگر چه ویژگی‌هایی دارد؟

پایه‌ی چهارم بسیار حساس است، هم از نظر درسی و هم از نظر عاطفی. دانش‌آموزان در این

سن تا حدی به بلوغ فکری می‌رسند. روحیه‌ی حساس و زودرنجی دارند که باید خیلی حواسمان به آن‌ها باشد تا لطمه نخورند. باید به آن‌ها اعتماد کرد.

■ اگر کمی عقب‌تر برگردید و بار دیگر فرصت انتخاب شغل داشته باشید، آیا معلمی را انتخاب می‌کنید؟ چرا؟

رشته‌ی تحصیلی من تجربی بود و دوست داشتم ماما بشوم، ولی وقتی در دانشگاه و رشته‌ی ابتدایی قبول شدم، متوجه شدم چقدر این رشته را دوست دارم.

اگر عقب برگردم، دوباره معلمی را انتخاب می‌کنم، چون عاشق بچه‌ها هستم. بچه‌ها دل پاک و مهربانی دارند، لذت می‌برم به آن‌ها خدمت کنم و راهشان را هموار کنم. معلمی شغل نیست، هنر است.

ماه رمضان، در شروع کلاس مجازی، حتماً برایشان سوره‌ای کوتاه می‌فرستادم که خود بچه‌ها آن را خوانده بودند. در پایان کلاس هم آیت‌الکرسی را تلاوت می‌کردیم.

در مناسبت‌های گوناگون زنگ شادانه داشتیم که با هماهنگی مدرسه و انجمن اولیا و مربیان، ساعتی شاد و خوش را در دوران کرونا برای بچه‌ها ایجاد می‌کردم؛ مثل روز دانش‌آموز، شب یلدا، روز مادر و روز پدر.

برنامه‌های شاد و به‌بادماندنی برایشان تدارک می‌دیدم؛ مثلاً روز مادر با عکس بوسیدن دست مادرانشان، فیلمی برای همه‌ی مادران کلاس ساختیم. روز پدر نیز با تکرار همین برنامه، کلاس شادی ساختیم.

